



## عوامل انسانی میان متن و خواننده اجازه

### در نسخه‌های خطی عربی\*

یان یوست ویتکام\*\*

برگردان : محمدعلی احمدی ابهری\*\*\*

**چکیده:** "اجازه" یکی از ویژگی‌های برجسته نسخه‌های خطی عربی است و چگونگی نقش متون را در محیط آموزشی، علمی یا فرهنگی نشان می‌دهد. بررسی "اجازه"‌ها دانش ما را دربارهٔ عامل انسانی در استفاده از متون و نسخه‌های خطی افزایش می‌دهد. برای شناخت بهتر "اجازه" می‌بایست از نقش عامل انسانی در انتقال مطالعات اسلامی آگاهی کافی داشته باشیم؛ نویسنده در این مقاله به بررسی این موضوع می‌پردازد و در نهایت طرحی را برای گردآوری و تجزیه و تحلیل "اجازه السماع" ها در نسخه‌های خطی عربی پیشنهاد می‌کند.

اطلاعات بسیاری را دربارهٔ عامل انسانی در نقل متون در اختیار ما قرار می‌دهد.

اجازه یکی از ویژگی‌های برجسته نسخه‌های خطی عربی است و چگونگی نقش متون در محیط آموزشی، علمی یا فرهنگی را نشان می‌دهد. بررسی اجازه‌ها دانش ما را دربارهٔ عامل انسانی در استفاده از متون و نسخه‌های خطی افزایش می‌دهد. برای شناخت بهتر اجازه می‌بایست از نقش عامل انسانی در انتقال مطالعات اسلامی آگاهی کافی داشته باشیم؛ بنابراین در بخش بعدی مقاله به اختصار به بررسی این موضوع می‌پردازیم و در نهایت طرحی را برای گردآوری و تجزیه و تحلیل "اجازه السماع" ها در نسخه‌های خطی عربی پیشنهاد خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

"اجازه" عبارت است از گواهی قرائت یا سماع که در برخی نسخه‌های خطی، معمولاً پس از رقم کاتب در انتهای نسخه و یا در صفحهٔ عنوان نوشته شده است. این گواهی به دارندهٔ آن این حق را می‌دهد که متن را نقل کند یا تعلیم دهد یا آراء فقهی آن را تبلیغ نماید. این اجازه، شرکت در جلسه قرائت را نیز گواهی می‌دهد. "اجازه التدریس" یا جواز تعلیم با "اجازه السماع" یعنی گواهی شرکت در یک جلسه قرائت و در نتیجه به دست آوردن جواز نقل متن خوانده شده، متفاوت است. در این مقاله توجه ما معطوف به "اجازه السماع" خواهد بود که عبارت است از صورت جلسهٔ جلسات قرائت که غالباً به متن افزوده می‌شده است، زیرا این اجازه‌ها به ویژه

\* مشخصات مقاله چنین است:

Witkam, Jan Just., "The Human Element Between text and Reader the Ijāza in Arabic manuscripts" in: *The codicology of Islamic manuscripts: Proceedings of the Second Conference of Al-Furqān Islamic Heritage Foundation, 4-5 December 1993*, Yasid Dutton (ed.), London: Al-Furqān Islamic Heritage Foundation, 1995. pp. 123-137.

\*\* استاد دانشگاه؛ مسئول کتابخانه و موزه دانشگاه لیدن (هلند) و سردبیر مجلهٔ نسخه‌های خطی خاورمیانه (*Manuscripts of the Middle East*).

\*\*\* نویسنده و مترجم؛ رئیس کتابخانه، موزه و مرکز استاد مجلس شورای اسلامی.

۱. در حال حاضر نه رساله‌ای در خصوص "اجازه" وجود دارد و نه مجموعه‌ای از متون منتشر شده. بعضی از منابع مفیدی که در این موضوع اطلاعات ارزشمندی را به دست می‌دهند عبارت‌اند از: عبدالله فیاض، *الاجازات العلمیة عند المسلمین* (بغداد، ۱۹۷۷) (با تأکید بر آثار شیعه)؛ پ.ا. مک‌کی (P. A. Mackay)، *گواهی‌های نقل در نسخه‌های خطی از مقامات حریری* (*Certificates of Transmission on a Manuscript of the Maqāmāt of Harīrī*) بخش نسخه‌های خطی قاهره، ادب ۱۰۵، خلاصهٔ مذاکرات جامعه فلسفی امریکایی، سری‌های جدید، LXI / ۴ (فیلادلفیا، ۱۹۷۱)؛ صلاح الدین منجد، *اجازات السماع فی المخطوطات القديمة*، مجلهٔ معهد المخطوطات العربیة (MMA) ۱ (۱۳۷۵/۱۳۷۶)، ص ۲۳۲ - ۲۵۱؛ J. Pedersen, *The Arabic Book* (Princeton, 1984), esp. 31-4.





### برداشت شخصی و استمرار در مطالعات اسلامی

اغلب گفته می‌شود که در اسلام ساختار تشکیلات روحانی، مشابه آنچه در سازمان کلیسا در مسیحیت مشاهده می‌شود، وجود ندارد. این سخن در واقع حقیقت دارد. اسلام نه دارای یک پاپ مصون و مزه از خطاست، و نه هیچ یک از روحانیان در آن دارای تشکیلاتی با ساختار متمایز و پیچیده اسقفی هستند که مدعی باشند آنها واسطه میان خدا و مؤمنان هستند و عهده‌دار اجرای آیین‌های مذهبی‌اند و بکوشند که انحصار تعلیم و عقاید را در دست داشته باشند. البته این بدان معنا نیست که در اسلام به طور کلی سازمان و تشکیلاتی به عنوان روحانیت وجود ندارد، بلکه بدان معناست که اصولاً نیروی محرک استمرار - از آنجا که وجود سازمان موجب استمرار می‌گردد - در اسلام در مسیر دیگری رشد یافته است.

در اسلام هیچ‌گونه عامل واسطه‌ای میان خداوند و بشر ضروری دانسته نشده است، و همان‌گونه که ارتباط هر فرد مسلمان با خداوند رابطه‌ای فردی و مستقیم است، راه‌های فراوانی نیز برای کسب و تحصیل معلومات دینی وجود دارد. در اسلام این راه ارتباطی فردی میان استاد و شاگرد است که در میان نسل‌های مختلف دانشمندان نیروی محرک قدرتمندی ایجاد کرده است که استمرار خود را تضمین می‌نماید.

برخی از انواع ادبیات و مطالعات اسلامی که در طول زمان تکامل یافته‌اند این ویژگی فردی و شخصی را در خود منعکس کرده‌اند. این ویژگی در واقع، از زمان‌های بسیار دور، با ظهور سنت اسلامی روایت "حدیث" آغاز گردید. سلسله روایان یا اسناد حدیث که پیش از متن

آورده می‌شود به اندازه متن حدیث مهم است. اسناد احادیث از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی مجموعه‌های اولیه حدیث بر مبنای موضوعات تنظیم و تزیین نشده‌اند، بلکه بر مبنای روایان گردآوری شده‌اند و به همین جهت "مسند" نامیده می‌شوند. "علم الرجال" که موضوع آن شناخت روایان حدیث است، نیمی از سنت اسلامی را تشکیل می‌دهد. همچنین ذکر سلسله‌ای موثق از روایان قابل اعتماد متن حدیث را اعتبار می‌بخشد و هر حدیثی بدون چنین اسنادی مورد تردید است و معتبر محسوب نمی‌شود - لاقلاً دانشمندان مسلمان قرون اولیه چنین عقیده داشتند - متون حدیث و سلسله روایان به دلایل کاربردی نوشته می‌شدند، ولی بنا بر عقیده گذشتگان، دانش مذهبی به صورت شفاهی بسیار بهتر متشر می‌گردید. بنابراین می‌توان از اسنادها به عنوان صورت جلسه حضورهای پی در پی و جلساتی که در آن آموزش از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شد، تعبیر کرد. پس شکل نوشته شده حدیث، تنها یک بعد از سنت روایت است: عامل انسان در انتقال و استمرار دانش به همان اندازه خود پیام ضبط شده اهمیت دارد. این که گفته می‌شود: علم در سینه انسان است نه در سطور کتابها « العلم فی الصدور لا فی السطور » همین اندیشه را به نحوی موجز بیان می‌دارد.<sup>۲</sup>

گسترش سریع اسلام و دگرگونی بسیار نظام‌های مختلف آموزشی، تداوم روش انتقال شفاهی را، به عنوان تنها روش انتقال دانش، غیرممکن ساخت. کلام خداوند یا وحی الهی باید نگاهشته می‌شد؛ زیرا حاملان اولیه این کلام مقدس در جنگ‌هایی که برای گسترش اسلام درمی‌گرفت از بین می‌رفتند. بنابراین متون تاریخی و حدیث، در ابتدا، در دفترچه‌های شخصی روایان<sup>۳</sup>

فاسم احمد السامری، "الاجازة و تطورها التاريخية" عالم الکتب، ۲ (۱۹۸۱)، ص ۲۷۸ - ۲۸۵. بسیاری از تصاویر و نمونه‌های اجازات در فهرست آربری یافت می‌شود. نک:

A. J. Arberry, *A Handlist of the Arabic Manuscripts of the Chester Beatty Library* (8 vols., Dublin, 1955 - 66).

جورج مقدیسی (George Makdisi) کاربرد اجازة را در سیستم آموزشی اسلامی بحث کرده است. نک:

George Makdisi, *The Rise of Colleges, Institutions of Learning in Islam and the west* (Edinburgh, 1981);

ژرژ ویدا نیز تحلیلی از محتوای تعداد زیادی از اجازات در ۷۲ نسخه خطی به دست می‌دهد. نک:

Georges Vajda, *Les Certificats de lecture et de transmission dans les manuscrits arabes de la Bibliothèque Nationale de Paris*

(Paris, 1956);

در ضمن در اینجا لئون بسکنز (Léon Buskens) که بسیاری از متون منتشر شده درباره اجازات یا اجازات چاپ شده را از کتابخانه شخصی خود در اختیار من

گذاشت، تشکر می‌کنم.

۲. نک: ابن کفانی، *ارشاد القاصد الی اسنى المقاصد*، ویرایش ویتکام، لیدن، ۱۹۸۹، ۴۴۶، ش ۱۹۱ > رساله *ارشاد القاصد* ابن کفانی به ویرایش ویتکام را دکتر عباس حرّی ترجمه و با عنوان "کتابشناسی علوم ابن کفانی" در مجله *تحقیقات اسلامی*، سال ششم، ش ۲۰ (۱۳۷۰) چاپ کرده است. *نامه بهارستان* <

۳. برای ملاحظه کاربرد آنها و سوه ظنی که نسبت به آنها وجود دارد، نک: بلخی (۱۳۹۵ ق)، کتاب *قبول الاخبار و معرفة الرجال*، نسخه خطی، قاهره، دارالکتب المصریه، مصطلح، 14 M, Passim، در حال حاضر مشغول انجام مراحل پایانی کار تصحیح این نسخه هستم.



از او بوده‌اند و از او نقل روایت کرده‌اند ذکر می‌گردند؛ بنابراین شرح حال در مرکز فرایند انتقال دانش قرار دارد. این اثر ویژه ابن حجر منحصراً مربوط به راویان است و بنابراین در آن این خط سیر به وضوح دیده می‌شود. دیگر آثار شرح حالی، حتی آنها که منحصراً مربوط به راویان حدیث نیستند نیز اغلب حاوی اطلاعات مشابهی از شبکه پژوهش هستند.

### انواع نوشتارهای دارای ماهیت فردی و شخصی

انواع دیگری از نوشتارهای دارای ماهیت فردی و شخصی نیز به وجود آمدند. فهرس<sup>۵</sup> که در اندلس و مغرب رشد یافت یکی از این گونه نوشتارهاست. این نوع نوشتار را که در آن دانشمندی مشایخ خود و کتاب‌هایی را که با آنها خوانده است برمی‌شمارد می‌توان تاریخچه مختصری از تحصیلات فرد بدانیم. ثبت<sup>۶</sup> که محدود به سرزمین مغرب نیست، سیاهه‌ای است که آن را یک راوی حدیث تهیه کرده و در آن مشایخ خود را معرفی می‌کند و میزان روایت خود را از آنها بیان می‌دارد. به همین ترتیب در "رحله" یا "سفرنامه"ها، از مسائل جغرافیایی و نژادی در دوره قدیم به ارتباطات شخصی دانشمندان توجه شده است. به ویژه در دوره های بعد، سفرنامه‌ها به چیزی بیش از یک گزارش سفر تبدیل شدند. در این گونه آثار نویسندگان مسافر، فرصت فراوانی دارد تا دانشمندی را که با آنها ملاقات کرده، دروسی را که آموخته و اجازاتی که در دوران سفر به دست آورده است بر شمارد؛ و البته هدف او از سفر، گردش و تفریح نبوده است، بلکه این سفر برای او ماهیتی مقدس و اخلاقی، مانند زیارت مکه، داشته است.<sup>۷</sup> نوع دیگری از متون مربوط به معرفی شخصیت‌ها "سلسله" یا "شجره‌نامه" معنوی یا علمی است.<sup>۸</sup> "برنامج" و "مشیخه" نیز عملکردی بسیار مشابه

و سپس در قالب مجموعه‌هایی که به قصد استفاده مخاطبان بیشتری تنظیم می‌شد نگاشته می‌شده است. اگر چه در نهایت، کتاب‌ها به عنوان ابزاری متداول پذیرفته شدند، ولی با این حال اهمیت برداشت فردی و شخصی از متون اسلامی نیز هم‌چنان جایگاه خود را حفظ کرد. فقط خواندن کتاب و درک محتوای آن، آن گونه که ما امروز عمل می‌کنیم، کافی نبود. در دوره‌های قدیم، معتقد بودند که کتاب را بایستی در نزد معلم و ترجیحاً خود مؤلف خواند و یا از استاد توانا و برجسته‌ای فرا گرفت. خواندن یا فرا گرفتن امری انفرادی نبود، بلکه همان‌گونه که خواهیم دید، حادثه‌ای اجتماعی نیز محسوب می‌شد.

شرح حال نویسی در اسلام به منزله یکی از نتایج این برداشت فردی و شخصی ظهور کرد. این شیوه در سرزمین‌های اطراف مدیترانه نوظهور نبود. در شرح حال‌های نوشته شده در دوره باستان مانند *Parallel lives* اثر پلوتارک (Plutarch) اهداف تاریخی، ادبی، اخلاقی و گاه عقیدتی وجود دارد. در برخی شرح حال‌های نوشته شده در دوره اسلامی نیز هدفی مشابه وجود دارد، اما بعد دیگری نیز مورد توجه بوده است. "علم شناخت افراد" یا "علم الرجال"، به صورت روشی انتقادی، برای ارزیابی میزان اعتبار پژوهش‌ها رشد یافت. بیشتر آثار شرح حالی، به تشریح شبکه‌های پژوهش و زنجیره‌های انتقال علوم توجه دارند. *تهذیب التهذیب* نوشته ابن حجر عسقلانی (د ۸۲۵ ق) که یک فرهنگ شرح حالی از راویان موثق احادیث اسلامی است، نمونه بارزی از این گونه آثار است.<sup>۹</sup> ساختار متداول شرح حال در این کتاب به سه قسمت تقسیم می‌شود: در ابتدا نام کامل و دیگر اطلاعات مربوط به زندگی فرد مورد نظر آورده می‌شود؛ سپس راویان معتبر پیش از او، که مأخذ آن فرد برای روایت احادیث هستند بر شمرده می‌شوند و آن گاه روایاتی که پس

۴. این کتاب در ۱۲ مجلد در حیدرآباد دکن در سال‌های ۷ - ۱۳۲۵ ق (۹ - ۱۹۰۷ م) منتشر شده است.

۵. نک:

Ch.Pellat, s. v. "Fahrassa", *Encyclopaedia of Islam*, 2nd ed (EI<sup>2</sup>), (Leiden and London, 1960-), II, pp. 743 - 4.

۶. این نوع سفرنامه‌ها در بخش غربی جهان اسلام توسعه و تحولی ویژه یافت. فاصله زیاد از شبه جزیره عربستان بایستی در این تحول و توسعه ایفای نقش کرده باشد.

۷. بسیاری از سلسله‌ها شناخته شده‌اند. اهل تصوف مجموعه‌هایی از سلسله‌های ویژه خود دارند. نگارنده سلسله دانشمند حنفی بوسنیایی<sup>۷</sup> حسن کافی

أق حصاری<sup>۸</sup> (د ۱۰۲۵ ق) را بررسی و منتشر کرده است، نک:

*Manuscripts of the Middle East (MME)*, IV (1989), pp. 85 - 114.

۸. برای بررسی این نوع کتاب‌ها نک: عبدالعزیز الاهوانی، کتب برنامج العلماء فی الاندلس در:

*MMMA*, I (1955), pp. 91 - 120, 252 - 71.



فهریس دارند و گاه مانند "رحله" شرح سفرهایی را در جستجوی دانش یعنی "طلب العلم"، در برمی گیرند. یکی از برجسته ترین انواع تألیفات شرح حالی، آثاری هستند که به بررسی "طبقات" دانشمندان می پردازند. در این گونه آثار سیاهه‌ای از نسل های متوالی افرادی که در زمینه معینی فعال بوده‌اند، تهیه می شود در بررسی طبقات، به ارتباطهایی که از نظر تقارن زمانی و تحولات زمانی در زمینه های مختلف پژوهشی وجود دارد توجه نمی شود.

این گونه برشمردن نام افراد، به ویژه در دوره های بعد، به عنوان نوعی "خود نگاشت" پژوهشگرانه تألیف می شد. گاهی توجه اصلی به متونی است که در نزد استادان خوانده می شد، همان گونه که در "برنامه" چنین است. و گاهی مشایخ، خودشان مرکز اصلی توجه هستند؛ مانند "مشیخه". غالباً خود افراد این متون را تألیف می کردند و آنها را به صورت اول شخص می نوشتند؛ اگر چه در نگارش "خود نگاشت ها"، سوم شخص هم به کار می رفت. هنگامی که افرادی به تدوین سیاهه‌ای از افرادی که با شیخ آنان ملاقات کرده‌اند یا شیخ بدانان تدریس کرده است می پردازند، این بررسی را می توان به سادگی "التعریف فی..."، نامید و نام شیخ مورد بحث را پس از آن قرار داد. در مورد آثاری که "ترجمه..."، نامیده می شود و نام شخصی که شرح حال او نگاشته شده است در ادامه آن می آید نیز همین کاربرد وجود دارد. عنوان هایی نظیر "السند المتصل الی..." که پس از آن نام یک راوی قدیمی می آید نیز همین گونه است. تألیفاتی که در عنوان آنها کلمه "اسانید" به کار رفته است نیز با هدف مشابهی به توصیف سلسله های راویان می پردازد که از طریق آن هریک از دانشمندان به امامان بزرگ دوره آغازین متصل می گشتند. مدت طولانی پس از آن، شاید حداکثر در قرن ۱۲ هجری، رساله هایی با عناوینی که کلمه "اجزاه" را دربرداشتند، نگاشته می شد. در نگاه نخست به نظر می رسد که این اجزاه ها بیشتر جزء دسته "اجازات" تعلیمی باشند تا گواهی های

خوانندگان؛ اما ارتباطی هم بین این دونوع از متن وجود دارد؛ زیرا گواهی نامه های خوانندگان نیز سلسله ای از اسلاف دانش آموختگان را در برمی گیرد که با نام محمد [صلی الله علیه وآله] شروع می شود و به نام دانش آموخته ای که رساله برای او نوشته شده ختم می گردد. این گواهی نامه ها را که به طرز ماهرانه ترین یافته‌اند و با خط بسیار زیبایی نوشته شده‌اند و از بیان شیوایی برخوردار هستند می توان مرحله نهایی اجازه و زیباترین تجلی هنری دانست؛ زیرا که به واسطه این آثار "اجزاه" به یک نوع [سبک] ادبی مستقل تبدیل شده است.<sup>۹</sup>

نوعی نوشته ویژه دیگر که در این زمینه رشد یافت "جزء" است. متن کوتاهی که معمولاً از یک "قرم" (چهار ورق که تا خورده و هشت برگ شده است). تجاوز نمی کند و غالباً به اندازه ای کوچک است که به سادگی می توان آن را حمل کرد. از "جزء" هنگامی استفاده می شد که تنها یک بخش بسیار کوچک از اثر دانشمندی در جلسه ای خوانده شده باشد یا تعلیم گرفته شده باشد و برای آن اجزاه ای صادر گشته است. در این گونه موارد، صادرکننده اجزاه میان دو انتخاب مختار بوده است. یکی آنکه اجزاه ای را به شاگرد خود یا دانشمندی که با او دیدار می کرد اعطا کند که حق نقل تمامی کتاب او یا روایات (مرویات) او؛ دانش هایی را که اوشفاهاً آموخته بود (مسموعات)؛ آثاری را که خود او اجازه نقل آنها را کسب کرده است (مستجازات) و یا هریک از دیگر آثار او را، حتی اگر فقط بخشی از آنها خوانده شده باشد یا اصلاً خوانده نشده باشد، به وی می داد. این "اجزات عامه" بسیار هستند.

دیگر اینکه این متن کوتاه یا مجموعه ویژه روایاتی که قرائت شده است به طور جداگانه ای نوشته شوند. این مجموعه های کوتاه تر، که بخشی از مجموعه آثار یک شیخ را در برمی گیرند غالباً "عنوان جزء" را دارند.<sup>۱۰</sup> گاهی این "اجزاء" به صورتی تخصصی تر و با عنوانی پر معناتر فراهم آمده‌اند.<sup>۱۱</sup>

۹. این گونه رساله ها در کتابخانه های بسیاری قابل دسترسی هستند. نسخه خطی شماره 156 AC. مونترال، کتابخانه دانشگاه مک گیل، بخش نسخه های خطی، یک گواهی نامه مستقل است. محتوای آن را آدم گاجک (Adam Gacek) مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و منتشر کرده است. نک: گواهی نامه خوش نویس مصری حسن البرسمی، در: MME, IV (1989), pp. 44-55. یک اجزاه دیگر، نسخه خطی ش Or. 11.121 کتابخانه دانشگاه لیدن است. این مجلد مختصر که احتمالاً اصل آن متعلق به استانبول است در بردارنده یک اجزاه در قرائت قرآن است که اسماعیل حقی بن علی، معلم ابوبکر لطفی افندی، فرزند السید عمر السنوبی، در محرم ۱۲۶۰ ق، به او اعطاء کرده است.

۱۰. بعید نیست که "جزء" نوعی مستقل باشد که از روش قدیمی نوشتن "اجازات السماعات" تحوّل یافته باشد و به همین صورت هر جزء کم و بیش به معنای "ورقه هشت برگی"، یا جمع آوری و اخذ از یک نسخه خطی باشد. این نسخه های خطی که به عنوان "مجزه" شناخته می شوند به اجزا تقسیم شده‌اند. این نوع به هیچ وجه نادر نیست. نسخه خطی مکارم الاخلاق (Or. 122) و تاریخ دمشق (Or. 12. 644) بر صحت این مطلب گواهی می دهد. در این نسخه ها هر مجموعه دارای یک گواهی نامه تقریباً مشابه است. مجموعه ها صفحه عنوان خود را دارند و متن را به قسمت هایی با طول کم و بیش مساوی تقسیم می کنند که ارتباطی با تقسیمات فصل ها و بخش های خود متن ندارد. البته این ویژگی اخیر در قرآن نیز وجود دارد که یک تقسیم رسمی به "اجزاء" دارد و در عین حال یک تقسیم به بخش ها یا "سوره ها".

۱۱. صلاح الدین منجد در "اجازات السماع"، شماره ۱۰ و ۱۱ "اجزاء" یا سماعات را ذکر کرده است.



### اجازه در نسخه‌های خطی عربی

گاهی ممکن بود دانشمندی که به همکار یا شاگردش اعتماد بسیاری داشت، حَق نقل تمامی آثارش را به او، حتی اگر در جلسه تدریس او شرکت نکرده بود، اعطا کند. در چنین مواردی، اجازه اغلب عناوین کلیه آثار استاد را در برمی گرفت و در نتیجه، این اجازه خود نوعی کتاب‌شناسی آثار مولف به قلم خود او بود. این گونه سباه‌ها از عناوین کتاب‌ها در اجازه، یا در هر جای دیگر از نسخه خطی تاکنون به ندرت یافت شده‌اند.<sup>۱۱</sup> بسیاری دیگر از کتاب‌ها غالباً با عنوان‌های برجسته‌تر وجود دارند که در خدمت همان هدف یعنی ضبط و ارزیابی اختیارات برخی دانشمندان هستند. تعداد این نوع کتاب‌ها بی‌شمار است. وجوه مشترکی که در همه آنها مشاهده می‌شود عبارت است از: شمارش دانشمندان ملاقات شده؛ کتاب‌های خوانده شده و اختیارات (اجازات)ی که گرفته شده است. اجازه در این مفهوم، نتیجه ملاقات دو دانشمند است که در عین حال شرحی از سوابق علمی و تحقیقاتی آنان را در برمی‌گیرد. به لطف این ملاقات، گیرنده اجازه، امتیاز نقل یا تدریس تمام یا بخشی از کتاب دانشمند صادر کننده اجازه را به دست می‌آورد. تمامی این روند بی‌شبهت به مدارکی که دانشجویان دانشگاه‌های امروزی، در پایان دوره تحصیلی دریافت می‌کنند نیست؛ با این تفاوت که در "اجازات" ارتباط دوشخص حقیقی و در گواهی‌نامه‌های امروزی ارتباط دانشجو و مؤسسه آموزشی او منعکس می‌شود.

در پایان باید خاطر نشان کنیم که تنظیم الفبایی شرح حال‌ها، مانند آنچه در *تهذیب‌التهذیب* ابن حجر آمده است، تمامی تحولات قبلی را در برمی‌گرفت. البته این نوع تنظیم، تنها واکنشی سازمان یافته در برابر پیکره دائمی رو به تزاید موضوعات بود، اگرچه ما در فرهنگ‌های شرح حالی، که به صورت الفبایی تنظیم شده‌اند، اغلب از نظر تاریخی و جغرافیایی با محدودیت‌هایی مواجه می‌شویم.

### نسخه شناسی و اجازه در نسخه‌های خطی عربی

شاید پرسید که انواع اجازه چگونه به بحث نسخه‌های خطی و به ویژه، نسخه‌شناسی مربوط می‌شود؟ باید گفت علم نسخه‌شناسی را می‌توان تخصص ویژه‌ای دانست که تمامی جنبه‌های یک نسخه خطی را به جز محتوای متن آن مورد توجه قرار می‌دهد. به عبارتی روشن‌تر، این دانش را می‌توان علمی دانست که منحصرراً ویژگی‌های ظاهری نسخه دست‌نویس را بررسی می‌کند. این تعاریف سودمند اما بسیار موجز و ساده بیان شده‌اند. در حقیقت در یک کتاب خطی، به جز جنبه‌های زبان‌شناسانه متن، ویژگی‌های بسیاری برای مطالعه وجود دارد. هر چند نمی‌توان چنین تمایز ساده‌ای را میان متن - که عنصری معنوی است - و ظواهر فیزیکی نسخه خطی یا به عبارتی، میان جسم و روح برقرار کنند. این دو جنبه همواره تأثیر متقابلی بر یکدیگر دارند، به عنوان نمونه می‌توان به نشانه‌های متنوع فردی که در بسیاری از نسخه‌های خطی یافت می‌شوند اشاره کرد. البته هر نسخه خطی اثری هنری و فردی است که اطلاعاتی را درباره سازنده و گاهی نیز استفاده کنندگان از آن - به طور ضمنی و گاهی صریحاً - در بردارد. به طور کلی، ویژگی‌هایی مانند "رقم کتاب"، نوشته‌های مربوط به مستسخ، نشانه‌های مالک و گواهی‌های خوانندگان، برداشتی را از نقش یک متن ویژه به طور کلی و استفاده از یک کتاب خطی خاص به دست می‌دهد؛ بنابراین مطالعه این ویژگی‌ها، که مربوط به حوزه نسخه‌شناسی است، به اندازه مطالعه موضوعات و متن نسخه اهمیت دارد و بعد دیگری به نسخه می‌بخشد و آن را در محیط فرهنگی خود قرار می‌دهد. تنها با چنین نگاه جامع و کاملی به نسخه خطی می‌توان درباره وجوه گوناگون آن در ارتباط با یکدیگر قضاوت کرد. این نوع زبان‌شناسی به معنای وسیع کلمه متضمن همه این جنبه‌ها و نیز تأثیر متقابل متن و محیطی که متن در آن به وجود آمده است می‌باشد.

معمولاً متن اجازات، یا تصاویر<sup>۱۲</sup> آنها در انتهای متن یا

۱۲. نک: به فهرست‌هایی که من درباره نسخه‌های خطی عربی نوشته‌ام:

"Lists of Books in Arabic Manuscripts", *MME*, V (1990-1), pp. 121-36

به ویژه بخشی که درباره "اجازات و کتابشناسی به قلم مولف" در ص ۱۲۶ - ۱۳۰ آمده است؛ آنجا که درباره سندی با این ماهیت، مربوط به قرن ۸ ق بحث می‌کنم و یک کتاب‌شناسی دیگر که به بررسی یک اجازه، به تاریخ دمشق، ۱۱۶۹ ق، موجود در بخش نسخه‌های خطی دولین، کتابخانه چستر بییتی، ش ۳۴۸۸، می‌پردازد:

Cf. Arberry, *Handlist*, II, plate 63.

۱۳. تصاویر (مثال‌ها یا صورت‌ها) اغلب چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند.





صفحه عنوان کتاب، پیش از شروع متنی که اجازه برای آن داده شده است، افزوده شده است. گاهی اجازه فقط چند سطر کوتاه را در برمی گیرد، اما گاهی نیز بسیار جامع و استادانه است. این نوع اجازه‌ها ممکن است با گواهی قرائت خوانندگان تلفیق شده باشد. افزودن اجازات به متون در دوره‌ای، شیوه‌ای برای اعطای درجه تحصیلی در نسخه‌های خطی عربی بود که چندین قرن مورد استفاده باقی ماند. از طریق نسخه‌های خطی که در آنها اجازات نوشته شده‌اند، می‌توان چگونگی اجرای نظام اجازه تدریس را بررسی کرد. علاوه بر این، اجازه‌ها مطالب بسیاری را درباره شیوه استفاده از متن یا نسخه خطی ویژه‌ای بیان می‌کنند. جای تعجب بسیار است که تاکنون در این زمینه، از طریق گردآوری مجموعه‌ای منظم از اطلاعات موجود در اجازات وارد در نسخه‌های خطی عربی کار بسیار کمی انجام شده است.<sup>۱۴</sup> مجموعه‌ای از چنین متونی همراه با تجزیه و تحلیل ویژگی‌های ظاهری و محتوای آنها بسیار مفید خواهد بود. پژوهش‌های ابید (Ebied) و یونگ (Young) درباره ریشه‌شناسی اصطلاح "baccalaureate" (اجازه‌نامه) ارزش حقیقی چنین مجموعه‌ای را به وضوح نشان می‌دهد. آنها از طریق بررسی موشکافانه اصطلاح عربی "اجازات" در شماری از نسخه‌های خطی به شواهدی درباره اثبات فرضیه خود دست یافته و ثابت کرده‌اند که این اصطلاح علمی مشهور اروپایی، در حقیقت از اصطلاح عربی "بحق الروایة" [مانند متن] برگرفته شده است.<sup>۱۵</sup>

#### نمونه‌هایی از بعضی اجازات مهم

اجازه از نظام آموزش اسلامی، که در آن علوم مذهبی اسلامی تدریس می‌شد، سرچشمه گرفت، ولی استفاده از آن به هیچ وجه در محدوده آن حوزه باقی نماند. از ۷۲ نسخه‌ای که وجدا (Vajda) فهرست کرده است، ۵۹ نسخه دارای محتوای "حدیث اسلامی" هستند، که یکی از دروس آموزشی است که بخشی از دوره تحصیلی مدرسه را تشکیل می‌دهد و ۱۳ نسخه دیگر مستقیماً محتوای مذهبی ندارند، و در باب موضوعاتی مانند طب، ادبیات و علوم هستند.

این نسبت، با توجه به شمار بسیار نسخه‌های خطی مقوله اول، بسیار بالاست. نمایه جغرافیایی فهرست وجدا نشان می‌دهد که بسیاری از نسخه‌های خطی، همراه با اجازه مربوط به متن، در دمشق و قاهره نوشته شده‌اند. بغداد، مکه و حلب نیز شهرهایی هستند که اجازه‌های بسیار زیادی در آنجا صادر شده است. بسیاری از این سرزمین‌ها در مشرق واقع شده‌اند. هشتاد درصد از مجموعه وجدا مربوط به تاریخ قرون ۶ - ۹ هجری است که کم و بیش در این دوره نیز پراکنده شده‌اند.<sup>۱۶</sup> یکی از برجسته‌ترین مجموعه‌های اجازات، نه در یک متن تحقیقی اسلامی، بلکه در متنی که احتمالاً معتبرترین متن ادبیات تخیلی عربی است، یعنی *مقامات حریری*، یافت شده است. این اجازات در دست نویس معتبر این متن - که از روی نسخه خود حریری کاتب شده است مشاهده می‌شود. هم در اصل این اجازه و هم در اجازه هم عصر آن، اسامی در حدود ۳۸ دانشمند، که تعدادی از آنها نخبگان بنام بغداد بوده‌اند، ذکر شده است که در زمان قرائت کل اثر که در طول بیش از یک ماه در جلسات متناوب قرائت شد تا تکمیل گردید، حضور داشتند.<sup>۱۷</sup> در حقیقت مک‌کی (Mac Key) با تحلیل دقیق تعداد بسیاری از "اجازات" این نسخه خطی، دوره‌ای مشتتمل بر تقریباً دو قرن از زندگی فرهنگی را در بغداد، حلب و دمشق بازسازی کرده است. این دوره در سال ۵۰۴ ق در بغداد، هنگامی که اوکین جلسه قرائت نسخه‌ای از دست نویس مولف برگزار شد آغاز گردید. این قرائت سپس قرائت‌های متعدد دیگری را در بغداد در پی داشت. پس از گذشت حدود ۶۰ سال یا بیشتر از زمان اوکین قرائت، این نسخه به دلیل داشتن یادداشت‌های "سماع" متعدد بسیار وزین شده بود. بعد از یک دوره چهار ساله که به حساب نیامده باقی می‌ماند؛ این نسخه به مالکیت مورخ حلبی، کمال الدین ابن ادیم (د ۶۶۰ق) در می‌آید و مدت ۳۰ سال در حلب باقی می‌ماند و نام تعداد بسیاری از اعضای بهترین خانواده‌های حلبی در مقام مستمعان جلساتی که این نسخه در آنجا قرائت شده است به همراه دارد.

۱۴. تحلیل جامع مک‌کی (Mac Key) از اجازات در بخش خطی دارالکتب المصریه، قاهره، ادب، ۱۰۵ (پانویس: شماره ۱) که نسخه‌ای معاصر از *مقامات*

حریری (درگذشته ۵۱۲ق) را در برمی‌گیرد و ارجاعات بسیاری به نسخه بدل‌ها داده است، هم در این زمینه و هم از دیدگاه سبک‌شناسی اثری نمونه است. مجموعه اجازات وجدا نیز (پانویس شماره ۱) اطلاعات بسیاری را در این باره فراهم می‌کند.

15. R. Y. Ebied & M. J. L. Young, "New Light on the Origin of the Term "Baccalaureate", *The Islamic Quarterly*, XVIII

(1974), pp. 3 - 7.

16. Vajda, *Certificats de lecture*, pp. 65 - 6.

17. MacKay, *Certificates of Transmission*, p. 9.



وضوح آشکار است. مقایسه اجازاتی که در پایان نسخه استانبول *الناسخ و المنسوخ* اثر ابو عید آمده است با فهرست روایاتی که در صفحه عنوان نسخه‌ای از کتاب *المجالسه* اثر ابوبکر دینوری موجود در کتابخانه استانبول آمده است<sup>۲۰</sup> نشان می‌دهد که یک شخص واحد در هر دو نسخه نقش دارد: دانشمندی کم و بیش گمنام به نام ابو عبدالله م. ابن احمد بن حامد بن مفرج بن غیاث ارتاجی که در نسخه قدیمی *تر الناسخ و المنسوخ* در مقام "مسمع" حضور دارد (در سال ۵۸۷ ق)، و در نسخه کتاب *المجالسه* که رسال ۶۷۱ ق کتابت شده است، یکی از راویان متن است، که پیش‌تر از زمان کتابت نسخه می‌زیسته است. این نتایج، حاصل گردآوری اطلاعات مربوط به اجازات، سماعات، روایات و امثال آن است؛ به عنوان مثال، در نمونه حاضر شروع شکل‌گیری یک مجموعه از محققان و دانشمندان آشکار می‌شود.

اجازاتی را که ابن جوایقی (د ۵۳۹ ق) - یکی از بزرگترین زبان‌شناسان بغداد -<sup>۲۱</sup> صادر کرده است، می‌توان در بسیاری از نسخه‌های خطی یافت. در صفحه عنوان نسخه‌ای در کتابخانه دیولین گواهی قرائتی وجود دارد که ابن جوایقی در سال ۵۱۴ ق آن را امضاء کرده است.<sup>۲۲</sup> نسخه دیگری از *لسرزم مالا یلزم* اثر ابو العلاء معری در کتابخانه لیدن وجود دارد که ابن جوایقی پیش از ۴۹۶ ق آن را کتابت کرده است.<sup>۲۳</sup> دستخط ابن جوایقی به سادگی قابل شناسایی است و تاریخ آن را نیز می‌توان بر اساس یادداشتی به خط استاد و سلف او، خطیب تبریزی (د ۵۰۲ ق)

در این نسخه همچنین گواهی‌های قرائت جلساتی که در دمشق در طول سال ۶۸۳ ق برگزار شده است نیز وجود دارد. پس از آن این نسخه تقریباً شش قرن از دیده‌ها پنهان می‌شود تا اینکه در سال ۱۸۷۵ م دارالکتب المصریه آن را به دست می‌آورد و در حال حاضر نیز آن را در اختیار دارد.

بررسی نام بیش از ۲۰۰ تن از افرادی که در قرائت و استماع این نسخه شرکت داشته‌اند ما را با این حقیقت روبرو می‌کند که بسیاری از آنها با نسبت‌های خانوادگی به یکدیگر مربوط هستند. تاریخ روایت و نقل متن در این نسخه اغلب دوش به دوش تاریخ نسل‌های دانشمندان و مردان علم و دانش، که این نسخه را در اختیار داشته‌اند، پیش می‌رود.

یکی از اولین اجازات شناخته شده اجازه‌ای است که در نسخه منحصر به فرد *الناسخ و المنسوخ فی القرآن* اثر ابو عید قاسم بن سلام (د ۲۳۳ ق)<sup>۱۸</sup> یافت شده است. این اثر به هسته علوم اسلامی، یعنی دانش آیات ناسخ و منسوخ قرآن، تعلق دارد، قدیمی‌ترین یادداشت سماع در این نسخه دارای تاریخ ۳۹۲ ق و آخرین آنها متعلق به تاریخ ۵۸۷ ق است. در یکی از سماعات این نسخه آمده است: "الجامع العتیق بمصر".<sup>۱۹</sup> در اینجا نیز نام چندین نفر از اعضای یک خانواده ذکر شده‌اند، از جمله پدر، پسران و برادرانش. به این ترتیب، همان‌طور که نمونه قبلی، *مقامات حریری*، نیز نشان می‌دهد نقل متن رویدادی اجتماعی و گاه خانوادگی بوده است. در هر صورت نقش عامل فردی به

18. MS. Istanbul, Topkapi, Sarayi Library, Ahmet III A 143.

خود این اجازه به نظر می‌رسد رونوشت باشد. فؤاد سزگین این اجازه را در سری C, XII انتشارات مؤسسه تاریخ علوم اسلامی - عربی خود این اجازه به نظر می‌رسد رونوشت باشد. فؤاد سزگین این اجازه را در سری C, XII انتشارات مؤسسه تاریخ علوم اسلامی - عربی خود این اجازه به نظر می‌رسد رونوشت باشد. فؤاد سزگین این اجازه را در سری C, XII انتشارات مؤسسه تاریخ علوم اسلامی - عربی

John Burton, ab 'Ubaid al-Q sim b. Sall m's K. al-n sikh wa-l-mans kh ( MS, Istanbul, Topkapi. Ahmet III A 143); E. J. W. Gibb Memorial Series, New Series, XXX (Cambridge, 1987).

۱۹. برتون (Burton) گواهی‌های قرائت مربوط به ویرایش خودش را از نسخه توپ‌کاپی در ص ۱۰۱ - ۱۰۳ آورده است که با تجزیه و تحلیلی از محتوای آنها و معرفی بیشتر افرادی که در آنها ذکر شده‌اند همراه است. نک: ص ۵۲ - ۵۳ مقدمه.

۲۰. این باید همان نسخه‌ای باشد که صلاح الدین منجد بدان اشاره می‌کند ( اجازات السماع، ۲۳۳، ش ۱). تاریخی که او در آنجا ارائه می‌کند ۳۷۲ ق است و ظاهراً ناشی از خطا در خواندن تاریخ ۳۹۲ ق است که به وضوح نوشته شده است.

۲۱. نسخ خطی استانبول، کتابخانه توپ‌کاپی سرای، احمد ثالث، ش ۶۱۸. چاپ عکسی فؤاد سزگین، انتشارات تاریخ علم عربی - اسلامی (سری VIII XXX C, Frankfurt am Main, 1986).

21. C. Brockelmann, *Geschichte der arabischen Litteratur*, 1 ( Weimar, 1898), 280.

22. Chester Beatty Library, No 3009 (Arberry, *Handlist*, I, plate 1).

و نیز نک: S. A. Bonebakker, "Notes on Some Old Manuscripts of the *Adab al-kâtib* of Ibn Qutayba, the *kitâb as-sina 'atayn* of Abu Hilâl al-Askari the *Mathal as-sâ'ir* of Diyâad-Din ibn al-Athir", *Oriens*, XIII-XIV (1960-1), 159-94. The note in the Dublin manuscript is edited by Bonebakker on p.165.

23. University Library, Or. 100.



آموزش، درمقیاسی وسیع‌تر از آنچه تاکنون مطرح شده است مورد بررسی قرارگیرد. کتابداران می‌بایست اجازاتی را که در نسخه‌های خطی آمده است، گردآوری و منتشر کنند. این انتشارات نباید فقط شامل اطلاعات موجود در گواهی‌های قرائت و سماع باشد، چنانکه جدا و مکی انجام داده‌اند، بلکه علاوه بر آن می‌بایست نسخه‌ای نیز از متن عربی آنها، تا حد امکان، کامل، همراه آنها باشد. در آن صورت می‌توان کار مهم را آغاز کرد؛ یعنی تدوین فهرست راهنمای جامعی برای کلیه اطلاعات کتاب‌شناختی و شرح‌حالی موجود در این گواهی‌ها که مرجعی بسیار ارزشمند در کنار دیگر مراجع کتاب‌شناسی و شرح‌حالی موجود خواهد بود.

انتشار مجموعه‌های بزرگ از اجازات، امکان بررسی اصطلاحات فنی به‌کار رفته در آنها را نیز به ما می‌دهد که موجب افزایش هرچه بیشتر دانش ما درباره جایگاه اجازة در نسخه‌های خطی عربی می‌شود.

حداقل ملزومات مورد نیاز برای چنین مجموعه‌ای عبارت است از:

اولاً: تهیه متن کامل تعداد زیادی از اجازات با تصاویر خوانا و روشن. این متون چارچوب اصلی کار را تشکیل می‌دهند؛ ثانیاً: در چنین مجموعه‌ای می‌بایست برخی از راهنماهای کمک پژوهشی را نیز گنجانند. مانند: توصیف مختصر نسخه‌های خطی مورد نظر، فهرستی از اسامی اشخاص، همراه با تأثیر آنان در روند صدور اجازات، فهرستی از مکان‌هایی که این نسخه‌ها در طول زمان در آنجا بوده‌اند و لغت‌نامه‌ای از اصطلاحات فنی که در آنها به‌کار گرفته شده است.

این وظیفه‌ای نیست که اجرای آن آسان باشد، زیرا گواهی‌های علمی اغلب به صورتی ناخوانا نوشته شده‌اند. مطالعه اجازة‌ها تنها زمانی مفید خواهد بود که بررسی‌کننده اجازة با ملزومات رسمی این گواهی‌نامه‌ها و محیط آموزشی که از آن نشأت گرفته‌اند آشنایی کافی داشته باشد<sup>۲۸</sup> و در عین حال در زمینه‌کار با

تشخیص داد.<sup>۲۴</sup> یادداشت دیگر قرائت در همین نسخه بیانگر قرائت ابن خُشَّاب، شاگرد استاد، در طول سال ۵۱۹ ق است. همان‌گونه که از یادداشت تملک جدید نسخه، یادداشت عالم نحوی ابن نُحَّاس (د ۶۹۸ ق) برمی‌آید، این نسخه پس از آن از بغداد به قاهره منتقل می‌شود.<sup>۲۵</sup> یکی دیگر از نسخه‌های خطی لیدن، کتاب *الانفاظ اثر عبدالرحمن بن عیسی همدانی* (د ۳۲۰ ق) در زمینه زبان‌شناسی است که در سال ۵۲۲ ق کتابت شده است.<sup>۲۶</sup> در صفحه عنوان این نسخه نیز یادداشت قرائتی به خط ابن جوالیقی وجود دارد. خود نسخه نیز حاوی یادداشت‌های بلاغ و مقابله در فواصل کاملاً منظم است که بر اساس آنها می‌توان طول مدت جلسات قرائت را به‌طور تقریبی محاسبه کرد که هر جلسه احتمالاً حدود یک تا دو ساعت طول می‌کشیده است. در نسخه خطی دیوان ابوتمام، همراه با شرحی از خطیب تبریزی، موجود در کتابخانه لیدن (*b Or. 403, f. 430*)، یادداشت قرائتی از ابن جوالیقی با تاریخ صفر ۵۰۱ ق وجود دارد که احتمالاً در قرن ۱۱ ق کتابت شده است.<sup>۲۷</sup> از یادداشت‌های ابن جوالیقی می‌توان چنین برداشت کرد که جلسات قرائت نقل‌های او احتمالاً به اندازه موارد قبلی رخدادی اجتماعی نیست. روشن است که او به تدریس متون مهم زمان خود در گروه‌های کوچکتر تمایل داشته است. نسخه‌ای که او از *زرومیات* اثر معری کتابت کرده است، در حالی که فقط استادش، خطیب تبریزی، میان او و مؤلف قرار دارد، شاهدی بر این مدعا است.

### نتایج و دیدگاه‌ها

در این مقاله اجازة از دوجنبه، یکی از دیدگاه تاریخ فرهنگی و دیگری از نظر زبان‌شناختی مورد بررسی قرار گرفت که هر دو ضروری هستند و هر یک دیگری را تکمیل می‌کند. خود اجازة، نمونه خوبی است برای اثبات اینکه این دوجنبه از یکدیگر جدایی‌ناپذیرند. اجازة، منبع مهمی برای تاریخ شبکه‌های فرهنگی و پژوهشی است و جزئیاتی را به دست می‌دهد که به وسیله آن می‌توان محیط فرهنگی را به‌طور کامل بازسازی کرد.

شایسته است اجازة، به منزله مکانیزمی در خدمت و ترویج

و نیز نک:

S. M. Stern, "Some Noteworthy Manuscripts of the Poems of Abu'l-'Alā al-Ma'arri", *Oriens*, VII (1954), pp. 322-47, especially, pp. 339-44.

۲۴. یادداشت‌های قرائت را در هفت قطعه از نسخ خطی عربی منتشر کرده‌ام (Leiden, 1978), 11.

۲۵. Stern, "Some Noteworthy Manuscripts", pp. 343-4.

۲۶. MS Leiden Or. 1070 (P. Voorhoeve, *Handlist of Arabic Manuscripts in the Library of the University of Leiden and Other collections in the Netherlands* [Leiden, 1957], 10).

۲۷. Voorhoeve, *Handlist*, p. 62.

۲۸. همان‌گونه که صلاح‌الدین منجد در *اجازات السماع*، ص ۲۳۴ - ۲۴۴ شالوده ریزی کرده است.





نسخه‌های خطی از تجربه گسترده‌ای برخوردار باشد. با توجه به شدن هرچه بیشتر، چنین مجموعه‌ای را می‌بایست نسخه‌شناسی توسعه روزافزون دانش نسخه‌های خطی در جهت تخصصی مجرب گردآوری کند.

دفتر اول از مجموعه «گنجینه بهارستان» منتشر شد.

### گنجینه بهارستان

(گنجینه بهارستان) مجموعه‌ای فراهم آمده از نسخه‌های خطی کم حجم کتابخانه مجلس شورای اسلامی است که در قالب ۸ موضوع اصلی: ۱. علوم قرآنی و روایی، ۲. حکمت (منطق، فلسفه، کلام و عرفان)، ۳. فقه و اصول، ۴. ادبیات فارسی، ۵. ادبیات عرب، ۶. تاریخ و جغرافیا، ۷. اخلاق، ۸. علوم و فنون است که به کوشش گروهی از استادان و محققان حوزه و دانشگاه تصحیح و در اختیار ارباب معرفت قرار می‌گیرد. اثر حاضر نخستین دفتر از مجموعه حکمت «گنجینه بهارستان» است که شامل ۱۸ رساله با عناوین زیر می‌باشد:

- منطق صغری / میر سید شریف جرجانی، ۷۴۰-۸۱۶ ه. ق
- الدرّة / میر شمس الدین شریف جرجانی، در گذشته ۸۳۸ ه. ق
- شرح الإیساغوجی (اثیرالدین ابهری) / حسام الدین حسن کاتی، در گذشته ۷۶۰ ه. ق
- الإبانة عن وحدانية الله / یعقوب بن اسحاق کندی، ۱۸۵-۲۵۲ ه. ق
- ترتیب السعادات و منازل العلوم / ابوعلی مسکویه، ۳۲۰-۴۲۱ ه. ق
- ماهیت نفس (برگردان فارسی رساله فی النفس ابن سینا) / از مؤلفی ناشناخته
- تجوهر الأجسام / غیاث الدین منصور دشتکی، در گذشته ۹۴۸ ه. ق
- شفاء القلوب / غیاث الدین منصور دشتکی، در گذشته ۹۴۸ ه. ق
- کیفیت معیة الواجب بالموجودات الممكنة / صدر المتألهین شیرازی، در گذشته ۱۰۵۰ ه. ق
- رساله اعتقادی / خواجه نصیرالدین طوسی، ۵۹۷-۶۷۲ ه. ق
- خلق الأعمال / میر محمد باقر داماد، ۹۷۰-۹۱۰۴۱ ه. ق
- پرسشها و پاسخهای حکمی / ملّا علی نوری، در گذشته ۱۲۴۶ ه. ق
- معاد / از مؤلفی ناشناخته
- نصایح / نجم الدین کبری، ۵۴۰-۶۱۸ ه. ق
- حقیقة الحقائق / محی الدین ابن عربی، ۵۶۰-۶۳۸ ه. ق
- لطائف التوحید فی غرائب التفرید / سعدالدین حموی، ۵۸۶-۶۴۹ ه. ق
- حُسن و دل / یحیی سبیک نیشابوری، در گذشته ۸۵۳ ه. ق
- حُسن و عشق / محمد بن سلیمان فضولی بغدادی، سده ۱۰ ه. ق

علاقه‌مندان برای تهیه آن می‌توانند به کتابفروشی‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (در سراسر کشور) و یا روابط عمومی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (واقع در میدان بهارستان، جنب مدرسه عالی شهید مطهری) مراجعه کنند.



